

نام مستعار

گاهی کسانی از اهل قلم ترجیح می‌دهند تعدادی یا تمامی نوشته‌های خود را با «اسامی مصنوعی» چاپ و منتشر نمایند. شاعران نیز در اشعاری که می‌سرایند اکثراً از نام شعری که همان تخلص باشد سود می‌جویند. اندیشه به کارگیری تخلص* در اشعار فارسی مطلب تازه‌ای نیست و مشاهیر ادب گذشته را به سهولت می‌توان با تخلصی که برگزیده‌اند تشخیص داد. اگر کاربرد تخلص به صورت یک رسم همچنان در ادبیات منظوم فارسی رعایت و تقلید می‌شود، به خدمت گرفتن نام مستعار متأثر از انگیزه‌های متفاوتی است که در بسیاری از نویسندگان سراغ داریم و از سابقه‌ای چندان طولانی برخوردار نیست. اگر سواردی نیز قابل ذکر است آن چنان رونق و فزونی نداشته که در یکی دو قرن اخیر ملاحظه می‌شود.

در ذیل به اجمال، فزازهایی چند، از علل اتخاذ نام مستعار را که به نظر می‌رسد بازگو می‌نماییم. شک نیست شرایط و عوامل دیگری را نیز می‌توان اشاره کرد که موجبات به وجود آمدن اسامی مورد بررسی را می‌شود که محتاج فرصت و پژوهش بیشتری است. ذکر این نکته شایان توجه است که در بسیاری موارد نویسندگان و شاعران تخلص و نام مستعار را به جای یکدیگر به کار برده‌اند و تفکیک و تشخیص این دو را دچار مشکل نموده‌اند.

گروهی از نویسندگان و شاعران چون عرصه جاسعه را برای عرضه نوشته‌ها و گفته‌های خود تنگ می‌بینند و کوششهای خود را با تعقیب و سانسور دستگاههای مسؤول دولتی مواجه می‌یابند به دنبال محملی می‌گردند تا افکار و اندیشه‌های خودشان را به طریقی به گوش خوانندگان رسانند لذا احتیاط نموده و نوشته‌های خود را با اسامی مجعول منتشر می‌نمایند. از این طریق علاوه بر مجال نوشتن و انتشار افکار و عقاید خود از تعقیب و آزار نیز مصون می‌مانند. نمونه

* بنا بر لغت نامه دهخدا: در اصطلاح نام سمدوح آوردن است یا نامی که شاعر برای خود مقرر کند و بدان مشهور گردد. ادوارد براون در جلد اول تاریخ ادبیات ایران، چاپ اول، ۱۹۰۶ میلادی ص ۲۷ نوشته است که بعد از جمله مغول این مسأله برای شاعر عادت شد که تخلص خود را « Pen - name یا non de guerre » در بیت آخر معروف به مقطع از یک غزل معرفی نماید.

این افراد سیدجمال‌الدین اسدآبادی است که با اسامی مستعار «سیدمزه‌ربن وضاح، السید والسید الحسینی» مقالاتی منتشر نموده و با این شگرد حرف خود را به نظر خوانندگان رسانیده است. دسته دیگر را مترجمانی تشکیل می‌دهند که به جهت نیازمندی جذب و جلب تعدادی از ناشران فرصت طلب و معتقد به شعار «زدیگران بشنو فکر خویش باش» شده، عجزولانه و ناپخته هر متنی را که از سوی اینان پیشنهاد شده ترجمه می‌نمایند و چون این نوع ستون را مناسب شخصیت و شأن اجتماعی و فرهنگی خود نمی‌دانند از نام‌های دیگری استفاده می‌کنند تا سستی‌ها و بی‌مایگی‌های متن ترجمه شده مستقیماً به پای آنان نوشته نشود. از این دست می‌توان ترجمه‌های کتب پلیسی و جنایی مبتذل را نام برد که اغلب با نام مستعار همراه است.

بعضی نیز به جهت ابراز ارادت و تعلق خاطر به شخصی که حرمتش می‌دارند یا مکانی که بنابه عللی به آن عشق می‌ورزند یا مسلکی ویژه که باورش دارند الفاظی را انتخاب می‌نمایند که از سویی تعبیر ویژگی‌های مورد نظر نویسنده باشد یا به لحاظی جسارت روحی یابند تا مطالب و گفته‌های خود را هرچه صریح‌تر و بی‌پروا تر بیان کنند.

گاهی هم نویسندگان سخنان و اشعار خود را به زیور کلمه‌ای دلفریب می‌آرایند تا الهام بخش زیبایی و طراوت زندگی و طبیعت باشند یا با گزینش اسامی ناب ایرانی که گاه تصنعی می‌نمایند سعی می‌کنند ذوق و خرد عامه را جلب و برآذهان آنان تأثیری دلنشین گذارند.

زمانی هم نویسندگانی از تخصص و فعالیت اصلی خویش فاصله گرفته، استعداد و هنر دیگری را نزد خود جستجو می‌کنند و به شعرگویی یا نمایشنامه و فکاهی نویسی روی می‌آورند. در این حرکت فکری و قلمی تازه از نامی سوای آن که مشهورند سود می‌جویند. دسته‌ای نیز اجزای خلاصه یا معکوس شده نام یا نام فاسیل و گاهی هردو را برای خود انتخاب می‌نمایند یا بنابه دلایلی از کاربرد یکی از اجزای نام و فاسیل خویش پرهیز می‌کنند لذا به نوآوری روی کرده و نامی قراردادی، دشوار و نامأنوس و گاه نیز ساده و ابتکاری بر خود می‌نهند*.

آخرین دسته‌ای که بنظر می‌رسد طنز نویسندگان و لطیفه‌گویان هستند. اینان معایب و مفاسدی را که در جامعه مشاهده می‌کنند بدون اغماض توسط هجو و هزل به تصویر می‌کشند. اسامی مستعاری که اینان برمی‌گزینند اغلب مترادف با لطیفه‌هایشان همراه با نیش و نوش است تا به نظر خود میزان تحمل انتقادپذیری را در جامعه بالا برند.

در این قسمت تعدادی از اسامی مستعار صاحبان قلم را که گردآوری نموده است برای نمونه ذکر می‌کنند. با توجه به نوع کاری که نگارنده برعهده دارد این فهرست در حال گسترش است که نیازمند زمان و فرصت است افزون بر آن این اسامی اغلب در اثر تماس مستقیم یا غیر

* بنا بر نوشته کریم اسامی: مرحوم ذبیح‌الله منصوری خود را در نام مستعار فرنگی می‌پوشانید و نویسندگانی که ذکر می‌کرد وجود خارجی نداشتند.

مستقیم با اشخاص مربوطه یا از نوشته‌ها و پژوهش‌ها، گاه نیز با مقایسه متن چاپهای مختلف یک اثر با یکدیگر، یا احياناً اسضای نویسنده یا مترجم بهنگام اهداء کتاب خود به شخصی خاص و یا با مددگرفتن از فهرست‌های مختلف به دست آمده است.

- آتش = والی زاده، پرویز، ۱۳۱۰-۱۳۴۸.
- آشبالک = فتحی، نصرت‌الله، ۱۲۹۳-۱۳۵۶.
- آتیش افروز = توفیق، عباس
- آدی باتمیش = بهرنگی، صمد، ۱۳۱۸-۱۳۴۷.
- آرش = نوری زاده، علمرضا
- آریا آریا پور = کریم پور، محمد
- آینرذام = آذر نیا، مهناز، ۱۳۲۶ -
- ا. آرین = مهربانی، ادیک
- ا. آهنین = آوانسیان، آرداشس
- ا. بیدار = شریعتی، احمد
- ا. پ. آشنا = پزشک زاده، ایرج، ۱۳۱۲-۱۳۴۲.
- ا. پ. فردوس = پوریا، ارسلان
- ا. ل. دهاتی = لسانی، ابوالفضل، ۱۲۷۶-۱۳۳۷.
- الف. سفرد = آذر یزدی، مهدی، ۱۳۰۱ -
- ا. ن. پیام = نوری علاء، اسماعیل، ۱۳۲۱ -
- ابن دیلاق = بهروز، ذبیح، ۱۲۷۰-۱۳۵۰.
- ابوالعلاء = فاروقی، فواد، ۱۳۲۲ -
- اجنه = روحانی، غلامرضا، ۱۲۷۶-۱۳۶۴.
- احمد دنولا = الولد، احمد، ۱۳۱۲ -
- احمد صادق = مستوفی، علی، ۱۳۰۶-۱۳۶۵.
- اسلام کاظمیه = اسلام کاظمیه، عباسقلی، ۱۳۰۹ -
- امیر = برزین، سعود، ۱۲۹۹ -
- انوشه = مستعان، حسینقلی، ۱۲۸۳-۱۳۶۱.
- اوس عازم = عازمی خواه، حسین
- ب. ق. سهند = قاراچورلو، بولود، ۱۳۰۵-۱۳۵۸.
- ب. کیوان = برومند، محمد تقی

- بابا شمل = گنجه‌ای، رضا، ۱۲۹۷-
 بچه جوادیه = صلاحی، عمران، ۱۳۲۵-
 بچه کاشی = ریاحی کاشانی، احمد، ۱۳۱۰-
 بچه مکتبی = گلچین معانی، احمد، ۱۲۹۵-
 برگ چغندر = اسدی یور، بیژن، ۱۳۲۵-
 بنده خدا = گورگین، تیمور، ۱۳۱۳-
 بوقلمون = توفیق، حسین، ۱۳۱۸-
 بهرام = زندنیا، امیرشاپور، ۱۳۰۶-
 بهروز = حساسی، هوشنگ، ۱۳۱۷-
 پ. مهرگان = ملکی، خلیل، ۱۲۸۰-۱۳۴۸.
 پور = پوردادوود، ابراهیم، ۱۲۶۴-۱۳۴۷.
 ت. ف. فرهاد = فرازسند، تورج، ۱۳۰۷-
 تجره‌لی = تسبیحی، محمد حسین، ۱۳۰۸-
 تماشاچی = آذریزدی، مهدی، ۱۳۰۱-
 ج. منصوره = برزگر، فراسرز، ۱۳۰۹-
 جلال زاده = فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۱۲-
 ح. توانا = توانایان فرد، حسن، ۱۳۲۲-
 ح. ستوده = سروش، عبدالکریم، ۱۳۲۴-
 ح. مقتصد = توانایان فرد، حسن، ۱۳۲۲-
 دکتر داریا = ارسنجانی، حسن، ۱۳۰۱-۱۳۴۸.
 دکتر داریوش سیح = الوند، احمد، ۱۳۱۲-
 دکتر رضی = مرزبان، رضا، ۱۳۰۷-
 دکتر ماندان = اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۰۴-
 دکتر ماهان = ابری، ابراهیم، ۱۲۹۴-
 دکتر محمد صادق = صادقی تهرانی، محمد
 دکتر محمود صادق = پهلوان، عباس، ۱۳۱۶-
 دکتر سنجهر قاطع = آزمون، سنجهر، ۱۳۰۹-
 دکتر بهیار = معتضد تهرانی، خسرو، ۱۳۲۱-
 دلکک بیمار = مقدم، حسن، ۱۲۷۷-۱۳۰۴.
 ۲۷۷۴ = گورگین، تیمور، ۱۳۱۳-

ر. اعتمادی - اعتمادی، رجبعلی، ۱۳۱۲ -

راما - اعتمادی، رجبعلی، ۱۳۱۲ -

نویسندگانی که در زیر می آیند در نوشته های خود از چندین نام مستعار

سود می جستند:

حالت، ابوالقاسم، ۱۲۹۴ -

- خروس لاری

- ابوالعینک

- هدهد میرزا

- شوخ

- انت الحمار

- فاضل مآب

دهخدا، علی اکبر، ۱۲۵۸ - ۱۳۳۴ .

- اسیرالجوال

- برهنه خوشحال

- خرگس

- دخو

- نخود همه آش

- خادم الفقرا دخوعلی

- دمدسی

- رئیس انجمن لات و لوتها

سهیلی، مهدی، ۱۳۰۳ - ۱۳۶۶ .

- آمهدی خان

- بذله گو

- بیخیال

- جاهل العلماء

- خواجه سهیل الملک

- چاقالو

- زهرخند

- سهیل الدین

- شازده پسر

- شیرین
- شیخ مهدی سهیل الدین
- شبیه الاعراب
- ضعیف الاقویا
- فکلی پسر
- کثیر الاضلاع
- نمکدون
- نوشخند
- لیشخند
- هاردی

شریعتی مزینائی، علی، ۱۳۱۲-۱۳۵۶ .

- علی اسلام دوست
- رضا پایدار
- علی سبزواری
- احسان خراسانی
- علی سرمداری
- علی علوی
- ابواحسان

شهریاری، اسدالله، ۱۳۹۹-
پروبوگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- اسد
- شایان
- شبکور
- سرخلوتیان
- قناس الشعراء
- یارو
- معلم الاطفال
- آقا معلم
- ش. ترسو
- حسنعلی جعفر
- فسقلی

-
- موشکاف
 - جلت
 - خنده‌رو
 - شهریار اسداللهی
 - ایشان
 - یزه (خراسانی)
 - شوان (شبان به لهجه کرمانشاهی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی